پرچم

وافغانستان دفنگ دموکراتیک انجاد وترقیخواهی

۱۳ - اسد ۱۳۴۶

خلقهای عرب دردفاع ازموقف عادلانه خود تنها نیستند

در حالیکه جمهوریت متحد عرب ناحیه بحرانی و خیم ساخته است، یوثو سته از حل مسأ لمت آمیزبحران خلقهای عرب و تطبیق فیصله های شرق میانه و تطبیق فیصله های شورای امنیت ملل متحد جانب داری اسرا ئیل بحران تجاوز د ست بردا ر نگردند و آرزوی می‌نماید ، محافل حا کمه اسرا ئیل غیروا قع‌بینانه و تحقق نا پذ یر که‌از پشتیبانی همه جا نبه‌امپریالیزم تشکیل دهنده اسرا ئیل » رابین‌در. امریکا، آلمان غر ب و ا نگلستان نا یی‌نیل وفرات را در سر نگشنه. و صهیونیست جهان بر خور دار است وبارد یگرجنگی‌درشرق‌میانه در گیرد بمنظور حفظ «سر حد ا ت جد یده» هیچ فه رنی نخوا هد بود نوا ست. وبخا طر ار عاب وخراب سا ختن اسرا ئیل را نجات دهد ، اعراب از معنویا ت ا عرا ب‌پشتیبانی‌نمی‌کنند.شکست‌خود در جنگ تجاوز کارا نه‌ا ۱۹۶۷ به‌اند ازه زه کا فی درسی عبرت گر فته اند ، درتجاوزات و سیع نظامی میز ند. درتجاوزات هوائی چند روز اخیر اسرا ئیل بر شهر ها وموا ضع جمهوریت عرب درمیدهاد. کا بل و سوریدر حدود ۸۰ طیاره اسرا ئیل‌شر کت‌ورزید ه‌بودند. تجاوزات هوا ئی و زمینی ا سرا ئیل تو سو ریه واردن نیز کمیب شد ت ترین بخشهای نفوس ، بخصو ص کا ر گر ان ومحصلان را دربر میگیرد که‌برا ی تما م مردم قاره آسیاامهیت خاص‌دا ر د .

درسر زمین جانبان تقریبا ۲۰۰۰ جا بان کشته شده اند .

ا ین‌ها ر قا م‌ها ی منتشره درجرا ید وروز نامه های عربی اسرائیل برای توسعه طلب ا ر ا ختنای وحشیا نه ا ز ا ر ا ضی ا سرا ئیل و ضمیمه کا ر ی‌ا ست.

ا ر ا ئیل‌به‌ا ستخدام عسکر ا جیر ا قدام کرده‌است

طبق را پور های منتشره درچرا ید به ا سرا ئیل ا عضا رسیده که بر ا ساس آن به قیمت ۳۵۰۰ ملیون مارک تا تا ً به اسرا ئیل داده میشود.

به اسرا ئیل ا عتبا ر داد. در گذشته ۲۴۰۰ ملیون دالر که ۵۰۰ ملیون آن برای مقا صد نظامی بود از طرف آلمان غر ب به اسرا ئیل کمک گردیده است . در ا خیر سال۱۹۶۸ قرا ر دا دی بین آلمان غرب وا سرا ئیل بالا یه ا مضا رسید که بر ا ساس آن به اسرا ئیل داده میشود . ضربا ت ر یزه مقدی ا ر ز ا ل ا ستعما ر ا ز ا ر ا ضی ا سرا ئیل و ضمیمه کا ر ی‌ا ست.

ا ر ا ئیل نمونه همکا ری بین ما ر یا لیستهای آلمان غر ب و محافل نظامی سرا ئیل ا ست. تنها در سال ۱۹۶۸ آلمان غرب ۱۴۰ ملیون مارک

ناصروائی: هغه سیمې چه په زور د نیولی شوی دی په زور به بیرته

آزادی شی

جمال عبدا لنا صر د ر عربی سوسیالیستی اتحاد کو ندیه جلسه کی د یوی ویدا ه ته ترخ گی وویل: « د ر عر بی هیوادو خنه تا سرا ئیل به خپله کی جه‌امپریا لیزم ئی تر کو د ی خپل لر غو عر بی د ښمن ویشی ، اغسر ب پو هیری چه د ا مریکی ا و ا نگلستان له‌خوا به جدی پول د ا سرا ئیل‌ملاتر کیږی. که دا سی وی نو ای ا سرا ئیل‌که له‌ای هیوادو خخه بر ته‌امپریا لیزم ئی تر کو ی‌ځل ا و منگرومنتو فیصلو له تطبیق‌خخه ځا نه و بر ځ و ی .

جمال عبدا لنا صر وز یل: لـه ا سرا ئیل سره دمخا یلی دیاره‌د عربی قوا وو هم آمنکا کول او ضـرو ری کاردی. ده له عربو سره دښمنی ی اتحاد له نیښت سره به ملی او جها نی‌سو یی همرستی او همکاری زمینی مساعدی کړای شـی او دیاکستا ن دوخنو اقداماتو په مقا بل کی هیڅ ډول ملی درپخ د بیتنو نستا ن دملی او مترقی متحـا نو به مشـوره ونیو ل شی .

اقتصاحات تازه سیا (سی. آی. ای)

شبکه بزرگ جاسوسی «سیا» در عراق کشف گردید:

وا. غارت کردن ثـروت آن هـموار نمایند ...»

روز نامه بغداد آبزرور از قـول روزنامهٔ الجمهوریت عراق مینویسد: «انقلاب ۱۷ تـموز با را د ر کـردن ضربات پیهم به شبکه های جاسوسی همنوایی با مبارزات اوج گیـرنـدهٔ پارتیزانها وقلع کردن دسایس محافل مرتد وم رتجع داخلی وخارجی، نقطه چرخش مهمی را د ر مبارزه مرکـب وزندگی که ملت عرب برضد اتحـاد ارتجاعی امپریالیستی وصهیونیزم پیش میبرند تشکیل میدهد.»

روز نامه می نویسد : «مقـابله با عمال امپریالیزم، صهیونیزم و ارتجاع بالبات رسانید شجیعا به انقلاب بـا امپریالیـزم، امپریالیزم» صفحه دوم، ستون سوم، سطر ۲ «مدت» به «حدت» ودرسطون پنجم، سطر ۵ «صفحه سوم» همین مضمون «بشمایه» به «بمثابه» تصحیح شود .

اعتصاب گارگران زحمتکش پرده

در غذاری بگرامی

چهار شنبه (۸ اسد) گروه کثیر کار گران پروژهٔ مر غذاری بگر امی بمنظور تأمین بر خی از مطا لبا ت ضروری شان دست به اعتصاب زدند.

علت فـوری اعتصاب کـارگـران زحمتکش پروژه را علاوه بر دشـواری های دیگر و شرایط سخت کار، عدم اجرای تصمیمهز شمان از تاریخ ۱۵ جوزای سال جـاری تا همیـن روز تشکیل میدهد. برای اینکه ایشـان ن صدای اعتراض خود را بگوش مقامات مسؤول (!) بر سا نند، بصـو ر ت آرام و منظم از محل کار در بگرامی کابل پیما ئت هشت صبح بسـو ی شهر ر همیـار شد ند و در بالای کوتل بگرامی اجتماعـی را تشکیل دادند که در آن هدف ازاعتصـا ب و حر کت شانـرا روشن و صفو ف خود را منظم سا خـتـنـد و فشـرده ترین آنـرا اجرای دسـتـور های دو ما هه شان‌میباشد. به‌پذیرد.

کار گران و طنبر ست بر وژه‌پس ولی اطلاع بعدی میر سا نـد کـه علی رغم اعتصاب، حر کت‌واجتماع قانونی و مسا لمت آ میز کارگران، بو لیس عمدتی از کار گران آ گاه بروژه را باز داشت کرد.

اجتماع کار گران پروژهٔ مرغداری بگرامی در ساعت ۳ بعدازظهر در دهـن‌تک پایان یافت.

(لومړی مخ پاتې)

دپاکستان حاکمه محافلو . . .

دمداخلې اوتیرې له غرض دهغو نـه د ښو سره له وجود خخه ډیره کـمه اخیستـل کیږی . خو دغه موانع او مشکلا ت باید به داسی توگه له میـنځه یو ړل شی چه دپښتونستان دخلکو دحق تر لاسه کـو لو لپاره گی تو طبه‌نوی ،نوی خیدو نه ایجاد نـکـړی او ر ا ر مبارزه مرکـب خـخـه چـیـنـه له گلو نو ی سترو مشکلاتـوبه یوداخی ډوډو ی مسؤولیتونـه خلکو په غاړه وی .

موږ دپښتونستان وروړ ولس ته، د افغانستان خلك دهـو کـراتیـك جـبـرییـان له خـوا ډاډ ور کـوو چـه وړ وړه دډوډ ی په خـدا سـتـعـمـا ر ی او ضدامپریا لیستی عدا لـه مبارزه کی یوازی بری نږدو اوله خپلو پـلـو امکا تو خخه له دی ډ ی سره دهـوسـتـی به خاطر اسـتـفـا ده وکړو او ډ ی بر خه کی به‌طبقـه‌ملی اوبین المللی وظیفه به میـنځه او شرافت سره سـرتـه ورسـوو .تاسی یوازی نه یاست .

موږ ډ ی ټینګ یاور لرو چـه دپښتونستا ن او بلو چستا نوړوړه ولسونه به ډ ی خپل دغه عاد لانه مبارز ی کی بر ا بـر ی‌شی . اډ و سپو لـی او آزادی بر جم(پرچم) به دآسیا پدی سیمه کی پور ته کړی.

بقیه از صفحه اول

بایدشعله‌های جهنمی . . .

وجلو گیری از وحدت واتحاد میان نیرو های ملـی و دمـوکراتیـك ، ترغیبوه وطنپرست و خلق‌گشو و تر وظایف عا م ، وتاثیرات سوء ایـن دشمنا ن ملت خلق وطن ما میبا شد .

وجود تنگین ایـن دشمنا ن محیل خلق افغانستان یعنی استبـداد ، ارتجاع واستعمار وعمال کمپنه کار آنها : مستبـد پـلـن ، مر تـجـعین وا ستعمار گرا ن‌وعنا صر امپریالیست برپست اسـ ت‌که مانع عمده‌واساسی در راه رشد مستقل وسریع اقتصاد وفرهنگ کشور ما میبا شد وموجب محرومیت‌های مادی ومعنوی خلق آزادی دیموکـرا سی و دلیر وطـن مـا گردیده است . لـهذا وظیفه اساسی تمام نیروهای وطنپرست وتحر ل طلب عمل استبداد ، ضد ارتـجـا ع وضداستعمار است که برای‌برچیدن بساط منحوس ایـن سه دشمـن سرسرخت مصا لح‌خلق‌کشور‌متحدا نه اقدام کننـد وشعله های جهنمی ا ین آذرهای محیل وخطرناك راخا موش سازند .

دست‌های مداخله‌گر بیان زورگو

از انتخابات شوری گو تاه!

دراین روز هاکه هنگامه انتخابات‌شوری در سر تاسر کشور گـرم‌ست ، عناصر کهنـه کار ارتـجـاع‌سیاه هنودوالی افغانستان ونمایندگان مغرور وبیسا یق آنها بغرض مخفوظ‌ماندن‌سلط اهریمنی طبقا تی خو ونشیرها لانه بر خاسـته و به دسیسه‌پراکنی‌ها دست‌زده‌اند تبلیغ‌گمراه‌کننده‌ای‌علیه ضد قو نی وضد دیموکرا ت‌ها ، آکاه‌ووظیفه‌شناس خلق نا ئمانده‌گان مجلی که عمر هاست مانند زالو به جسم‌وجان‌گم جون وتا توان مردم زنجد نده ومحروم جا معهٔ ما جسمیده انـد ، اکنون ن با بیشتر می و دیده درائی

خاصی یاصرف‌کمتر‌ازعشر‌عشیری‌از آنچه که از خلق دزدیده وبه یغما برده اند ، به تطمیع وتخو یف طم مردم می پردازند و ا استفـا ده از آراء آنان تلاش مبیورزند که خـود را نمایندهٔ (!) مردم بتراشـنـد و یـا نمایندگـان توکر منش خود را بـه شوری بفر ستند و به دینو سیلـه شوری بفر ستند و به دینو سیلـه آکـراه واطـبا رات کر فتـه مـی شود.

مصونیت ممکن برای صد هـا هزار دهقا ن کشور در برابر تعرض مستبد ین محلی وجود ندارد. هزاران فرد هموطن ما بدن ن مو جب ازکار قـراء میشوند یا صلا حیت و ملی ، بطـور خود سرانه ازطرف متنفذین محلـی قرار میگیرند . هر روز صد هاتفـر یدون ن صدا ئی ازطرف ادارات ملکی وخصوصی در محاکم با صلا حیت و ملی ، بطـور خود سرانه ازطرف متنفذین محلـی ودستگاه مورد مجازات‌قرار میگیرند. جرم ها ئی‌که‌ا شخا صی مرتکب نمیشند، بسیار هم طن ها مـورد تعذیـب جسمی و رو حی قرا ر می گیرند . هزاران نفر متهم در کوچـه هـا وکنار های کشور بو سیله اکـراه واطـبا رات کر فتـه مـی شود.

در نتیجه تسلط ایـن همـو لا ی وبی‌سره وتا ئیرات سوء انـواا ز د ومدارس ، در ا ر یکه ها ،درو جود تا نکها و شرکت‌ها ، در وجود تنـه ـ دشمنا ن سکانه هر آنچه را بـرای گـرا ن ودور روان‌داخلی وخارجی... وغیره، رفاه و سعا دت خلق ا شد مسیوثر وبرباد ی و تباهی بار میآورد. نقش وتا ثیر سوء ایـن دشمنا ن خطرنا ك ومهیب خلق در همـه جا وهمه چیـز پیدا ست : در شهر ودر ده ، در وجود متنفذین و مر تجعین محلی ، درو جود مستبد ین بیرو کرات ،در وجود ملاکین بـزرگ . در وجـود سو د ا گـرا ن بزرگ د لال ،درو جود تا جرا ن وتبا ه بندگی‌های انحصارات استعمارگر ، درو جود خط دیورند ، در جا مه ها ی سفید وسیاه ، در

سلطانعلی کشتمنده

سیاست اقتصادی حکومت

درمورد سرمایه‌گزاریـهای خـصوصی بسود مردم ورشداقتصادی کشور نیست

سبو سیالیزم میگشاید، بینـدیشـه و کشور وکند های ملاکتبار رشد تا بهنگام طریق طولانی رشد سرمایه اقتصادی در پیش گرفته شود .

داری فاسد شده و دردآور ی‌های‌خلق به همین جهت در سالهای اخیـر وطن- آنهم باخصلت قوی‌کمپرادوری برای تشدوتعمیم‌تشبثات خصوصی ویاحفظ نفوذ اقتصادی امپر یالیزم در

«ص ۳»

بایدبه‌فتنه‌گری واعمال خودسرانه و تهدید آمیز خاتمه‌داده‌شود !

عناصر تو طنه گر ، مرتجعین و فتنه گران که سخت در دستگاه اداری حکومت نفوذ و خارج از آ ن قدرت دربند و ده ها پیو ند و رشته آنها را با شبکه های خر بکاردا خلی وخارجی می بندد، بخصوص بعد از بیا علنی اعتمادی صدراعظم و سیعا استفاده کرده ، دست به طو طنه ها ودسایس، اعمال و حر کات تخریب آمیز د ر ضد قانونی و ضدمردم کر اتیك جریان دمو کراتیك خلق افغا نستا ن یکبار دیگر وواضحا نشان دار د، که اجتنا ب از مبا رزان وهوخواهان جریان دمو کراتیك خلق افغانستان وعده‌دیگر ازعنا صر آزادیخواه‌وطنپرست خود سر نه باز داشت و زنـدانـی شدند، از مکا تب و لیسه ها اخراج کرد ید تد و مورد با ز پـر س و تهدیدات و تعقیبات پو لیسی قرار گر فتند. این اعمال غیر قا نو نی در برابر منسو بین و خا نـواده های رفقای مانیز صورت گرفت، چنا نچه اینکه از طرف‌گی‌وکدام شبکه‌موظفند و خا نمهای و فقای ما را از لیسه‌ها اخراج و یا تحت تحقیقات پو لیسی قرار داده شدند. حتی تعدادی از پسران و دختران شاگرد وظنپرست به تلقی اینکه هوا خوا هی ازجریان دمو کرا تیك خلق افغا نستان ودرج اسم آنها در لیست سیاه و عدم اخذ شهادتنامه ختم صنف و غیره اقدامات غیر قا نو نی صورت گرفته است و ما جدا عتراض شدید داریم و از مقا مات جها نی وظنپرست ست و ما جدا خوا هان رسید گی به بیجا شدن حر کات واعمال تخریب آمیز خاتمه داده شود.

آزار دیده و هـر روز از طـرف پو لیس وادا ره تحت تهدید وتخویف قرار میگیرند .

بدبنظر ف ضر ب ر سا سی در حوادث اخیر جر یان دمو کـرا تیك خلق افغانستان متحمل گردید که ما در آینده بطور مستند و مشخص دربنیاره خوا هیم پر داخت. و لی آنچه ما به شکفتی و دلچسپی ماست اینکه، اینو ضع خصمانه در برابر جریان دمو کراتیك خلق افغا نستا ن یکبار دیگر واضحا نشان دار د، که اجتنا ب از کانود و ها و حر کتهای فضای‌مغشوش کنونی‌بسودنقشه‌های خـو یش ا ستفـاده مـی بـر نـد. در دسایس، اتهامات و الزا ما ت علیه مبارزان جریان دمو کراتیك خلق افغانستان و منسوبین آنان بایولیس همکا ر ا ند و حـتـی مستند گر فتند. این اعمال غیر قا نو نی در برابر منسو بین و خا نـواده های مؤ ظفیم جر یان دمو کرا تیك خلق افغا نستان را تخریب و با نام کنیم! اینکه از طرف‌گی‌وکدام شبکه‌موظفند اکنون دیگر معلوم و آشکار شـده است !

ادامهٔ چنین و ضع در بر ابر عناصر ملی و دمو کـرا تیك ، تـر قیخوه وظنپرست ست مورد ،اعتراض شد ید افکار عا مهٔ خلق کشور و اقع گردیده تا شر ر اند یشه های آن د ا شته باشند نیز ،مـتـهم» بـه تحـریـك حر کات واعمال تخریك آمیز خاتمه داده شود.

«ص ٤»

امنیت دسته جمعی، برای آسیا

لیو نیید بر ژنف منشی‌اول حزب کمو نیست ا تحاد شوروی طـی سخنرانی در جلسهٔ اخیرکا خ‌کنت وکارگری درماسکو درماه جون بحیث یك وظیفه آینده پیشنهاد ا یجاد یك سیستم امنیت د سته جمعی را برای آن‌مناطق جها ن که بزرگترین خطر تصادمات مسلح در آنها وجود دارد پیشنهـا د نمـو د . وی اظهـار داشت که‌علاوه برا روپا ، انگلستا نات در آسیا انجاب میکند که یك سیستم امنیت د سته جم عی در این منطقه

درزمانی وا قعشد که حتی حکومات دولتهای آسیائی فرصت مطالعه این پیشنهاد وبعضی ا ز ما عل آنرا نیابد ا ر نکرده بودند.

این نوع ا ستد لال لفظی نه تنهـا ما هیت و ا همیت پیشنهاد ا تحـاد شوروی را تحریف میکند بلکه‌بطور ساده مخا لف منطق ا بتدا ئی و عقل مشترك آنهاست .

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان

صاحب امتیاز : سلیمان لایق

مدیر مسؤول : میراکبر خیبر

آدرس: محمدجانخان وات ـ زرلنبت مارکیت

تلفون : ۲۳۱۶۴

دولتی مطبعه

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق افغانستان

شماره بیستم ـ سال دوم ـ دوشنبه ۱۳ اسد ۱۳۴۸ ـ ۴ اگست ۶۹ شماره مسلسل ۷۲

عمر فیض، کلکسیون برچم اهدا برای آن هایی که برچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

ببرک کارم[illegible]

مصالحه اصولی با مصالحه خائنانه فرق دارد!

بدون شک نهضت کنونی افغانستان در مرحله بیماری کودکی و یا بیماری رشد خود قرار دارد . بدینجهت هستند افرادیکه خود راترقیخواه وپیشرو بشمار می آورند . ولی اصول خلاق تئوری وتکتیک مترقی وپیشرو رادرک نمیکنند ودر سیاست معامله گری ، اپورتونیزم و تسلیم طلبی را بجای مصالحه اصولی میگیرند .

همچنان هستند کسانیکه با قطعیت تمام هر گونه مصالحه اصولی را رد مینمایند و تنها هدف غائی را می بینند ، اینها میگویند «ما پیشروان نوین هستیم ،میخواهیم بدون توقف بغرض محو نظام بهره کشی فرد از فرد ومحو طبقات که دیگر جایی برای مالکیت شخصی بر زمین وتمام وسایل تولید وجود نداشته باشد ، به هدف عالی خویش برسیم ، لذا باید همیشه تعرض کنیم و به هیچ مصالحه ای تن در ندهیم ...»

اینها همان «چپهای نوین » اند که وقتی جبین شان در اولین مرحله تعرض به دژ ارتجاع بر میخورد ، سر گیجه میشوند ، موازنه خود را از دست میدهند واز اپورتونیزم «چپ» به اپورتونیزم راست سقوط میکنند ، این همان «چپهای انقلابی» اند که **اراده** داشتند تا بدون توقف در ایستگاههای بین راه و بدون تن در دادن به **مصالحه اصولی** (که در مسیر تکامل تاریخی امری لابدی است) چهارنعل وبیک «خیز» خود را به «هدف غائی» برسانند و پرچم انقلاب را به اهتزاز در آورند ، قدرت را بدست گیرند وفردا سوسیالیزم را بر قرار سازند . چه هوس معصومانه ! و «چه ساده لوحی کودکانه ایست که انسان ناشکیبائی شخص خود را استدلال تئوریک جلوه گرسازد !».

چقدر «چپهای» بسیار خورد سال وبی تجربه ما ناشکیبا هستند واین حرفهای ما آنها را عصبانی میسازد! رفقای عزیز بی حوصله نشوید ! ما مستند حرف میزنیم ، روحیهٔ انقلابی را تضعیف نمیکنیم ، بلکه بالعکس سعی ما در اینست تاروحیهٔ انقلابی ومبارزه سر سختانه انقلابیون ما جهت اصولی یابد. لطفاً بخود زحمت دهید ، یکبار «مرض کودکی » را مطالعه کنید ، دانش جوان شما پرمایه میگردد !

توجه کنید از مصالحه تا مصالحه فرق است : (۱) مصالحه اصولی‌که شرایط عینی ایجاب میکند ، (۲) مصالحه خائنانه ایکه جبن ومعامله گری موجب آن میگردد. مثلا کارگران در جریان مبارزات اعتصابی گاهی مجبور میگردند که با کارفرمایان‌ستمگر واستثمارگران منفور از در مصالحه پیش آیند و به اعتصابات خود حتی بدون اخذ نتیجه ویا در مقابل بر آورده شدن خواستهای جزئی شان خاتمه دهند واین در حقیقت مصالحه ایست که شرایط عینی آنرا ایجاب میکند . به اینمعنی که یا کارگران هنوز اتحادیه ندارند واگر دارند صندوق آن خالی است، ازبرون اتحادیه هم کمک نمیشوند، گرسنگی خود و خانواده شان دیگر قابل تحمل نمیباشد ویا اینکه آمادگی برای ادامهٔ اعتصاب درمیان کارگران وجود ندارد و مقاومت آنان طوری در هم می شکند که روحیهٔ مبارزه را تضعیف مینماید. این نوع مصالحه ، هیچگاه بمعنی تسلیم طلبی، آشتی طبقاتی ، از دست دادن روحیهٔ انقلابی وختم مبارزه در آینده تلقی شده نمیتواند. ولی در مقابل نوع مصالحه ای وجود دارد که در جریان اوج‌نهضت اعتصابی وامکان پیروزی توسط یکعده نفاق افگنان ، فتنه گران واعتصاب شکنان صورت می گیرد که منشاء اینچنین مصالحه ها وسازشها یا جبن و یا معامله‌گری با کار فرمایان وسرمایه داران است .

مشابه باین در نهضت دانشجوئی وروشنفکری نیز چنین حالاتی بوجود می آید . در هر صورت بین این دو نوع مصالحه یعنی مصالحه اصولی بحکم ایجابات وشرایط عینی و مصالحه غیر لازمی بمعنی معامله گری وسازشکاری راست واپورتونیزم همیشه فرق اساسی وجود دارد .

البته باید خاطر نشان ساخت که درسیاست بخصوص تشخیص صحیح خصلت‌واقعی مصالحه اصولی یا مشروع و مصالحه غیر اصولی ویا غیر مشروع و تفریق آنها ازهم فوق العاده مشکل و پیچیده است . درسیاست مواردی پیش می آیدکه تشخیص درست شرایط ملی وبین المللی ، روابط میان طبقات ونیرو های طبقاتی یا احزاب ، حکومت و احزاب ووضع سیاسی بمراتب مشکل تر از موضوع‌تعیین حد فاصل میان مصالحه مشروع ومصالحه خائنانه بهنگام‌اعتصابات وتظاهرات کارگران وروشنفکران است . بدینجهت صدور یک‌نسخه واحد و عام و مطلق در همه حالات وبدون مطالعه دقیق شرایط وبررسی همه جانبهٔ آن ناصحیح است . همانطوریکه مصالحهٔ غیر لازم‌وغیر مجاز جنبهٔ معامله‌گری وسازشکاری راست را بخود میگیرد ، تکرار این آهنگ نیزکه «هیچ مصالحه ای ماذون نیست ! باید هر گونه مصالحه ای را . . وهر گونه سیاست مانور وسازشکاری را با قطعیت تمام رد کرد » ، کارکودکانه ومهمل است . باید با مغز سرد اندیشید ، اوضاع واحوال سیاسی را بدرستی تشخیص داد . این امر از طرف آن احزاب‌ورهبرانی تامین شده میتواندکه با کار طولانی وسرسخت وهمه جانبه معلومات وتجربه لازم کسب کنند و شم سیاسی لازم را برای حل سریع ودرست مسایل سیاسی که اغلباً مغلق وپیچیده میباشد در خود پرورش دهند .

جای تأسف است که«چپهای انقلابیگر وطنی » ما ساده‌لوحانه وناشیانه مثل چپهای منحرف سلف خود لفظاً حکم‌صادر مینمایند (یادستور میگیرند ...)که اگر به «مصالحه »بطورکلی اجازه داده‌شود، سرحد بین اپورتونیزم وسیاست واقعی انقلابی از میان میرود .

اکنون مشکل در ینجاست ، چطور باین آقایان فهماند که تمام حد فاصل ها چه درطبیعت وچه در جامعه «متحرک وتا حدود معینی مشروط هستند ». فقط زندگی، مبارزه، تجربه سیاسی و آموزش مترقی میتواند به آنها کمک کند تا درست را از نادرست تشخیص دهند !

این اصل مسلم است که باید بصورت آشتی ناپذیرعلیه اپورتونیزم مبارزه کرد وباید در سیاست‌عملی توان آنرا داشت که درهرلحظه تاریخی معین ، در هر وضع خاص سیاسی مصالحه های نامشروع ، غیر مجاز وخائنانه را که مظهری از اپورتونیزم و تسلیم طلبی است ، درست تشخیص داد ومجدانه علیه آنها مبارزه کرد . ولی سوال درینجاست که «چپهای وطنی» مابکدام دلیل علمی وتاریخی بصورت مطلق در هر گونه شرایط ودر هر زمان ومکان هر گونه سیاست مانور ومصالحه مجاز ومشروع را باقطعیت تمام رد میکنند .

نمیتوان باور کرد که « رهبران چپهای وطنی» با اینهمه ادعاهای بزرگ (!) تاریخ جریانات ترقیخواه پیشرو را اقلا یکبارمرور نکرده باشند ویا ندانند که‌سراپای تاریخ احزاب پیشرو انقلابی از ۱۸۴۸ به بعد در تمام ملل جهان (خواه قبل ازپیروزی انقلاب و‌خواه بعد از آن) منجمله دیگر قطب های مبارزه «**مشحون** از موارد مانور ومصالحه» است .

مبارزه در راه نیل به هدف غائی شبیه بالا رفتن به قله کوه شامخ ونامنکشفی است که انسان مجبور است بهنگام صعود گاهی با پیچ وخم بالا رود و گاهی به عقب بر گردد وباز هم بالا رود و راه های گوناگون را آزمایش کند .

اشتباه بزرگ خواهد بود هر گاه فکر شود که فعالیت سیاسی عبارت از سواری موتر ، آنهم در جادهٔ اسفلت دار الامان و رسیدن به قصر دار الامان است . پیروزی بر دشمنان خلق کشور که در وضع کنونی نیرو مندی آن معلوم است در صورتی امکان پذیر میباشد که تضاد های گوناگون میان نیرو های مخالف سیاسی تشخیص گردد، درست ونادرست ازهم تفکیک شود واز هر امکان ولو کوچک باشد برای بدست آوردن متفق(حتی متفق مؤقت»، مردد ، ناپایدار ، متزلزل ، غیر قابل اعتمادومشروط) اصولا استفاده شود ، ولی مشروط برینکه با نهایت دقت و مواظبت واحتیاط عمل نمود .

کسیکه این تکتیک های مبارزه را در جریان یک نبرد طولانی و در اوضاع واحوال مختلف سیاسی (چه قبل از احراز قدرت سیاسی توسط خلق وچه در جریان پیروزی وبعد از آن) بدرستی تشخیص ندهد و آنرا بموقع بکار برده نتواند در حقیقت هنوز نفهمیده‌است که چگونه باید به توده های وسیع خلق در مبارزه شان بخاطر رهائی از قید ستم و استثمار کمک کند.

درست است که از دادن قربانی نباید ترسید ، ولی وظیفه انقلابیون و جریانات چپ وفادار به خلق همیشه اینست که وسایل مشروع واصولی رابکار برد تا در امر نجات خلق از قربانیهای گران، بی لزوم و بیشمار احتراز گردد. «قبول نبرد در هنگامیکه این امر مسلماً بسود دشمن تمام خواهد شد نه بسود ما ، در حکم جنایت است و آن سیاستمداران طبقه انقلابی که برای شانه خالی کردن از زیر بار نبردی که مسلماً ضرر ندارد قادر به « مانور ...ومصالحه» نیستند ، بهیچ دردی نمیخورند ».

ولی شگفت انگیز وتاسف آور است‌که از مدتی بدینطرف‌گروههای چپ نمای نوین و قهرمانان (!) مبارزه طبقاتی وانقلابیگرانی در

(ص ۳)

۲

وظایف مبارزه در مرحله کنونی علیه امپریالیزم ...

تضاد های موجود بین نیرو های امپریالیستی را به وخامت‌کشانیده وتضاد های جدیدی را بوجود آورده است . پیروزیهای خلق قهرمان ویتنام ثبوت قانع کنندهٔ این حقیقت است که امروز برای مردمیکه بخواهد به استفاده از تمام وسایل از استقلال ، حاکمیت و آزادی خود دفاع نماید ، امکان بیشتری بوجود آمده و از پشتیبانی وسیع بین المللی بر خوردار میباشند تا تجاوز امپریالیستی را عقب زنند .

تجاوز اسرائیل بر جمهوری‌متحد عرب ، سوریه و اردن یک بحران وخیم بین المللی را **در شرق میانه** بوجود آورده است .

امپریالزم ودر درجه اول‌امپریالزم ایالات متحده امریکا از طریق این تجاوز میخواست رژیم های مترقی در کشور های عربی را از بین ببرد وبدینوسیله جنبش آزادیبخش ملی عرب را تخریب کند و مواضع خود راحفظ یا دوباره بدست آورد .آنها این کار را کرده نتوانستند ،باوجود آن نیرو های حاکمه اسرائیل به پشتیبانی از ارتجاع جهانی بشمول محافل صهیونی تقاضاهای دولتهای عربی ومردمان صلحدوست‌وفیصله های ملل متحد را راجع به بیرون کشیدن عساکر اسرائیلی از مناطق اشغال شده در نظر نمیگیرند وبر-سیاست توسعه والحاق اصرار می ورزند و پیوسته مرتکب‌تحریکات مسلحانه جدید می گردند .حزب کمونیست و دیگر نیرو های مترقی اسرائیل باین سیاست مخالفت می کنند . ملتهای عرب با عزم محکم به مبارزه خود در راه حفظ وتقویه آزادی، استقلال وترقی ملی، بخاطر آزاد ساختن تمام مناطق تحت اشغال، وبمنظور برسمیت شناختن حقوق ملی خلق عرب فلسطین ادامه میدهند . جنبش مقاومت ضد اشغال روبه ازدیاد است واشکال مختلفی را بخود میگیرد واز پشتیبانی هرچه بیشتر برخوردار می باشد . اتحاد شوروی ودیگر کشور های سوسیالستی ، جنبش بین المللی کمونستی ، همبستگی نیرو های آزادیبخش ملی ومحافل وسیعتر عامه در کشور های عربی از ملتهای عرب‌جانبداری میکنند .

امپریالیزم ایالات متحده امریکا از پلانهای خوددر باره مختنق‌ساختن **کیوبای** انقلابی دست بر دارنگردیده است . مانند گذشته استقلال جمهوریت کیوبا را تهدید میکند.و در مخالفت صریح باحقوق‌بین‌المللی تلاش می ورزد آنرا به محاصره اقتصادی بکشاند وبر ضد آن به اعمال فتنه گرانه وتخریبی‌میپردازد.

ولی خلق شجاع کیوبابر هبری حزب کمونیست وپشتیبانی اتحاد شوروی ، دیگر کشور های‌سوسیالستی ، نیرو های مترقی امریکای لاتین و تمام جنبش انقلابی به شدت از حاکمیت وآزادی‌خودوبدینوسیله از جبههٔ مقدم سوسیالیزم درقاره امریکا دفاع میکند .

در اروپا دسته بندی اتلانتیک شمالی بحیث آلهٔ عمده تجاوز امپریالیستی وماجراجوئی‌همچنان فعال‌است ،اتحاد واشنگتن وبن‌محور این دسته بندی را تشکیل میدهد.

محافل حاکمه ایالات متحده امریکا ، جمهوری فدرال آلمان و برتانیه آخرین تلاش خودرا بخرچ میدهند تا موجودیت بلاک‌اتلانتیک شمالی خلاف میل واراده مردم‌اروپا ادامه پیدا کند ، سازمان آنرا‌تقویه نمایند و« حضورنظامی» ایالات‌متحده امریکا را در اروپا حفظ کنند .

میلیتاریزم المان غرب‌که منبع عمده خطر جنگ را در قلب اروپا تشکیل میدهد بطور عمده بکمک‌ناتو احیاء ونیرو مند گردید . محافل حاکمه امپریالیست جمهوری فدرال المان ، جائیکه در آن نازیزم‌جدید ومیلیتاریزم قوت می‌گیرد ، پروگرام انتقام جویانه خود را راجع‌به‌تجدید نظر بر نتایج جنگ دوم جهانی وتغیر سرحدات بعضی کشورهای اروپائی مصرانه تعقیب می نماید .

این سیاست که در درجه اول‌برضد جمهوری دموکراتیک آلمان ،نخستین دولت سوسیالستی ارگران دهقانان درتاریخ آلمان میباشد ، امنیت تمام خلقهای اروپا و صلح جهان را مورد تهدید قرار میدهد .

کشور های بحیره روم مقام مهمی را در پلان های امپریالیزم احراز می نمایند . امپریالیزم ایالات متحده امریکا که پایگاه های مهمی در هسپانیه دارد به پشتیبانی خود از رژیم فرانکو ادامه میدهد وبه‌آن کمک میکند که برخلاف اراده مردم پیکار جوی هسپانیه موجودیت خود را حفظکند . اردوی (نمبر ۶) امریکا و سیستم پایگاه های‌نظامی آن‌که تهدیدی را برای مردم وصلح این منطقه بوجود می آورد یک آله دایمی فشار سیاسی ونظامی در مدیترانه میباشد . بعین طریق، خرابی مکرر اوضاع درقبرس وکودتای فاشستی در یونان کاردستی امپریالیستها ست‌که شوراهای نظامی دگر من ها را در آن کشور تقویه میکنند .

جنوب شرق آسیا و شرق‌دور یکی از ناحیه های عمده تجاوز امپریالستی وقمار های نظامی آن میباشد . علاوه بر سیتو **وانزوس** ومعاهده به اصطلاح‌امنیت بین ایالات متحده و جاپان ، اشغال واقعی مناطق جنوب غربی‌بحر الکاهل و بحر هند توسط قوای نظامی ایالات متحده امریکامیباشد.

تمام این سیستم در درجه اول‌برضد کشور های سوسیالستی آسیا ، جنبش آزادیبخش ملی ، همچنان بر ضد کشور های بی‌طرف وغیر منسلک این ناحیه متوجه میباشد.

امپریالستهای ایالات متحده امریکا به اشغال فارموسا که جزء لاینفک جمهوریت مردم چین‌میباشد ادامه میدهند . از اعاده حقوق مشروع ، چین در ملل متحد جلو گیری می نمایند . امپریالیستها ایالات متحده امریکا به تحریکات مسلحانه علیه جمهوری دموکراتیک توده ای کوریا واشغال نظامی کوریای جنوبی واعمال حکومت مطلقه ، مختنق ساختن نیرو های مترقی که بخاطر آزادی و وحدت مجددکشور خود مبارزه می کنند ادامه میدهند . آنها بر ضد لاوس وکمبودیا مرتکب تجاوز وتحریک میگردند . درتایلند به تاسیس پایگاه های نظامی پرداخته پیوسته آنها راتوسعه میدهند. آنها بر هند فشاروارد میکنند تاآن کشورراه عدم انسلاک ورشدمستقل‌اقتصادی راترک نماید .

امپریالستها کودتای ضد مردمی اندونیزیا را که از طرف محافل ارتجاعی بعمل آمده وصد ها هزار کمونیست ودموکرات را جسماً از بین برده است و هنوز به اعمال خونین خود ادامه میدهند ، حمایت می نمایند ، همه این منجر به ازبین رفتن تمام دست آوردهای انقلاب اندونیزیا می گردد و آن کشور را به محرومیت از استقلال آن تهدید می نماید .

امپریالیزم در تعدادی از کشور های افریقائی فعالترگردیده است. سعی میکند جلو رشد مبارزه آزادی بخش را بگیرد ومواضع خود را در این قاره حفظ وتقویه کند .

امپریالیستهای برتانوی‌وفرانسوی وامپریالیستهای ایالات‌متحده ،آلمان غرب وجاپان وسیعاً شیوه های استعمار نو ، نفوذ واسارت اقتصادی سیاسی وایدیولوژیکی را بکار می بندند .

مداخله مسلحانه در کانگو (کنشاسا) ،کودتای ارتجاعی در گانا و بعضی کشور های دیگر ، نقشه های امپریالستی تجزیه نایجریا ، پشتیبانی سیاسی‌ونظامی از محافل ارتجاعی وضد ملی ،رژیم های فاشستی و نژاد پرست در جمهوری افریقای جنوبی‌ورودوشیای جنوبی ، دامن زدن اختلافات،میان دول ونزاع های قبیلوی ، فشار اقتصادی و توسعه طلبی‌انحصارات‌ همه در راه پیشبرد پلانهای امپریالستی‌خدمت میکنند .استعمار گران پرتگالی که از طرف پیمان اتلانتیک شمالی پشتیبانی میگردد تلاش دارد ،تا متصرفات خود را با زور اسلحه حفظ نماید .

امپریالیزم ایالات متحده امریکا به رسوخ اقتصادی و همچنان به مداخلات سیاسی ، ایدیولوژیکی وفرهنگی خود در کشورهای‌امریکای لاتین ادامه میدهد . در اتحاد بانیرو های ارتجاع داخلی از سیاستی پیروی می نماید که هدف آن باز داشتن مردم از تعقیب نمونه کیوبا میباشد . هر گامی را که در این کشور ها در راه استقلال اقتصادی واستقلال واقعاً سیاسی بر داشته میشود مانع شده ازبین می برد .

امپریالستهای ایالات متحده امریکا بخاطر پیشبرد این‌سیاست خود پروگرام « اتحاد برای ترقی» را بمیان آورد و به اشکال جدید وبیشتر ستر واخفا شدهٔ تحت‌تسلط قرار دادن کشور ها مبادرت می ورزد . آنها سازمان دولتهای امریکائی واتحادیه نظامی بین کشور های امریکائی را مورد استعمال قرار میدهند ، در راه تشکیل به اصطلاح « نیرو های‌صلح داخل امریکائی »تلاش می ورزند وبرای خود «حق» مداخله نظامی در هر یک از کشور های امریکای لاتین را محفوظ میدارند .،چنانچه درجمهوری دومینیکا وپانامااز این «حق» استفاده کردند .امپریالستهای‌ایالات‌متحده امریکادکتاتوری های‌ارتجاعی‌را حفظ ویاتوسط کودتا های نظامی بر سر اقتدار‌می‌آورند، فعالیت های انشعابگرانه را در جنبش اتحادیه های کار گری‌تشدید ودامنه نفوذخود را در قوای نظامی وپولیس پهن می سازند و اختناق را در جنبش عمومی‌تشویق‌مینمایند.

امپریالستهای ایالات متحده‌دربعضی از کشور های امریکای لاتین بطور مستقیم در عملیات نظامی علیه گوریلا ها شرکت کرده اند . ولی سیاست امپریالیزم ایالات متحده امریکا به مشکلات بزرگی مواجه میگردد . در استقرار بخشیدن به رژیم های ارتجاعی ، یا حصول موافقه تمام کشور ها بخاطر تشکیل « نیرو های صلح داخل امریکا » ناکام میگردد . پروگرام «اتحاد برای ترقی» ناکام شده است .

قوتهای دیگر امپریالیستی ، بخصوص آلمان غرب وجاپان نیز تلاش دارند که برای خود جائی در این قاره بدست آورند .

این سیاست تجاوز کارانه امپریالستی که صلح وامنیت‌جهان را تهدید می نماید **در کشور های سر مایه داری به مقاومت روزافزون** طبقه کارگر، دهقانان ، جوانان ، محصلان ، توده های وسیع مردم ،

(از ص ۲)

مصالحه اصولی ...

کشور مابوجود آمده اند که ازیکسو حتی نه تنها اصل « مصالحه مشروع » را با نیروی چپ واقعی دموکراتیک خلق افغانستان رد مینمایند (در حالیکه اگر واقعاًچپ راستین می بودند میبایست وحدت واتحاد را باماتامین می کردند)بلکه با بیشرمی عیان تلاش ورزیده ومیورزند که باسیاه ترین وراست ترین محافل حاکمه ونیروهای ارتجاعی راست و شبکه های امپریالیستی (خواه در دستگاه حاکمه ، خواه در وجود احزاب دستوری ودفکتوی آنان وخواه در شبکه های جاسوسی وتخریبی) علیه جریان دموکراتیک خلق افغانستان ونشر اندیشه های آن پرچم وکاندید های آن‌درمبارزه انتخاباتی (بغرض بدنام کردن وناکام ساختن) « سازش » کرده ومیکنند . در حالیکه این آقایان «چپ ها» هیچ نفهمیده اند که «سازش داریم تا سازش » . باید این «چپ های انقلابیگر »یاد بگیرند که متناسب به اوضاع واحوال مشخص در مورد هر مصالحه وهر یک از انواع مصالحه دقت بخرج دهند . مثلا باید یاد گرفت که مصالحه باعناصر راست محافل حاکمه وشبکه های امپریالیستی ونیرو های ارتجاعی راست آنهم نه بغرض کاستن میزان شر آنان ،بلکه علیه نیروی واقعی انقلابی جنایت به امر مصالح خلق ونهضت رهائی بخش‌ملی و اجتماعی کشور است که تاریخ وخلق آنرا عفو نخواهد کرد . این نوع مصالحه در حقیقت خود را شریک رهزنی ارتجاع وامپریالیزم ساختن است ولو که در ظاهر امر علیه آنهامانور وتظاهر به ضدیت هم صورت‌گیرد. باید توجه داشت که ارتجاع‌داخلی وامپریالیزم تا حدود معین قبول کرده اند که علیه آنها مانور وتظاهر به ضدیت بعمل آید، ولی مشروط برینکه لبهٔ تیز مبارزه‌فلان وبهمان «چپ نماهای نوین » وقهرمانان (!) مبارزه طبقاتی علیه نیرو های واقعی انقلابی وپیشرو (در عرصه ملی وبین المللی) بخصوص در کشور ما علیه جریان دموکراتیک‌خلق افغانستان، بکاربرده شود. سوء تعبیر وسوء استفاده از «تضاد»بنفع انحراف چپ وشوونیزم عظمت طلبانه که در حقیقت آب ریختن به آسیاب ارتجاع‌وامپریالیزم است ، خیانت به امر جنبش های رهائی بخش ملی و مترقی ملل‌جهان بشمار میرود که اکنون دیگرمشت این دروغ‌ها و فتنه گری ها باز شده است . سوء استفاده از اصل «مصالحه» آنهم باارتجاع‌وامپریالیزم که **ضرورت حتمی** وجود نداشته باشد ، در حقیقت سازش به ارتجاع وامپریالیزم بغرض سرکوبی جریانات واقعی انقلابی است . این درست است که مصالحه هائی در تاریخ جریانات پیشرو انقلابی وجود دارد که احیاناً با احزاب وحکومتها وحتی امپریالیزم صورت گرفته است. لیکن آن «مصالحه» موقتی وروی **ضرورت حتمی** بوده است . اغلباً نیرو های پیشرو انقلابی مصالحه ها و گذشتهای در مسیر مبارزه بانمایندگان طبقات وقشر-های دموکراتیک و ملی کرده است که علیه دشمن عمده تکتیکی‌وستراتژیک نبرد مشترک داشته اند ویا باعث جلب آنها بسوی طبقه انقلابی گردیده است . ولی باز هم‌درچوکات اصول هیچگاه مبارزه مسلکی و سیاسی خود را علیه انحرافات آنها که در آخرین تحلیل تسلیم طلب واپورتونیست وناقل نفوذ‌بورژوازی در داخل توده های وسیع‌خلق بوده اند **قطع‌نکرده اند** . ازینجاست که بین مصالحه اصولی و مشروع ازیکسو ومعامله گری ، سیاست بازی ، شارلتانی ومصالحه خائنانه ازسوی دیگر باید فرق اساسی‌قایل شد .

مؤجز اینکه تکتیک مانور ومصالحه مشروع در شرایطی درست واصولی است که پیروزی نیرو های ترقیخواه وپیشرو را تحکیم یا تسهیل ویا تسریع کند وحملات دشمن را خنثی ویا تضعیف سازد . ولی بخصوص سازش ومصالحه پنهان واتحاد عمل‌بانیرو های‌ارتجاعی‌وامپریالیستی‌که موجب پیروزی‌دشمنان‌خلق‌وشکست نیروهای ترقیخواه پیشرو گردد، در پیشگاه خلق وتاریخ محکوم است و حکم خیانت صریح را دارد ، ولو که چندی افراد ساده لوح وجوانان‌کم سن وبی تجربهٔ ما را از لحاظ مانور ظاهراً انقلابیگرانه فریب دهد ومؤقتاً از لحاظ تبلیغاتی «پیروزی کذائی »بدست آورند .

«ازص اول»

دستهای مداخله جویان..

گرفته است. مضحک است که حتی کاندید های دستوری‌وبدنام ورسوای آنهاخودبابیشرمی عیان‌اظهارمینمایند که‌هدف‌آنها از اشتراک در انتخابات مبارزه نه بلکه وظیفه دارند کاندید هاجریان‌دموکراتیک خلق افغانستانرا بدنام وناکام‌سازند.مادرینمورد توجه جدی مقامات مربوطه را در برابر چنین عناصر بد نام که روز بروز ماهیت فتنه گرانه آنها عیان‌میگردد معطوف میداریم که هر گاه بوقت وبهنگام جلو اعمال ناشیانه ، متکبرانه وبی مسؤولیت آنهاگرفته نشود به عکس العمل شدید مردم مواجه خواهد شد وما در چوکات قانون بموضع جدی وقهرمانانه دفاع از حق مشروع وقانونی آراء خلق و حقوق کاندید های خود قرار خواهیم گرفت ودست‌به افشای این عناصر سیاه وسیاه خواهیم زد که البته عواقب ناشی از مداخلات غیر قانونی عناصر ومحافل حاکمه در امور انتخابات بشهادت مردم بعهده مسؤولین مقامات حاکمه افغانستان خواهد بود .

بدینجهت ارادهٔ بالقوه خلق افغانستان حکم مینماید که بایدهرچه زودتر دست مداخله جویان زورگو در انتخابات کوتاه گردد .

(بارق شفیعی)

(...ول)

...سیاست اقتصادی حکومت...

وسرمایه گزاری های خصوصی اعم از داخلی‌وخارجی‌از طرف‌حکومات کوششهای فراوانی بعمل‌آمد وگویا برای «رشد»اقتصاد کشور ترویج‌هرچه بیشتر قاچاقبری نیز ضروری پنداشته شد .

نافذ ساختن قانون جدید سرمایه گزاری داخلی وخارجی که از طرف مشاورین کشور های سرمایه داری در افغانستان تسوید گردید، به نام ایجاد وتشویق صنایع داخلی و در پناه «اقتصاد راهنمایی شده»بهترین گواه برین تلاش حکومتهای اخیر در جهت گیری آنها در امور اقتصادی کشور می باشد . برخی از سوداگران دلال وقاچاقبران داخلی وسرمایه داران خارجی‌برای غارتگری های بیشتر خود استفاده‌از امتیازات وسیع این «قانون»را مساعد دانستند سرمایه‌گزاری‌باصطلاح‌تشویق گردید و ازینراه‌برخی‌از سرمایه‌داران وقاچاقبران زرنگ بااحداث دستگاه‌های بسیار کوچک تولیدی بسوء استفاده وکاربر در آمد قاچاقبری پرداختند. نمونهٔ مشخصی از چنین غارتگری هارا در راپور روزنامه کاروان می یابیم که بقرارآن اخیراً گوشه ای از فعالیتهای ضد منافع ملی وسوء استفاده های فقط هشت فابریکه نساجی خصوصی افشاء گردیده است. قابل تذکر است که این هشت فابریکه نساجی سندی هریک خیلی کوچک بوده وغالباً بیش از چند پایه ماشین ساخت پاکستانرا بکار نینداخته اند. بقرار راپورکاروان این فابریکه هادرظرف یک سال یک ملیون کیلو سند وبیشتر از آن نخ (معاف از محصول گمرک) واردکرده وبصورت خام دوباره فروخته اند (بایدمتذکرشدقسمت اعظم‌سندوارده بطور قاچاق خارج از کشور بفروش می رسد) واز این طریق صرف از ناحیه‌محصول‌گمرک‌در حدودیکصد ملیون افغانی امتیازبدست‌آورده اند.

این نمونه‌ای‌از معاملات‌غارتگرانه سرمایه‌داران کمپرادور وقاچاقبران وطنی است‌که به نفع انحصارات امپریالیستی وبه زیان خلق وطن‌ما بدستیاری و همکاری مشهود عناصر متنفذ در دستگاه حکومت زیر نام تشویق صنایع کوچک به اصطلاح «سریع‌الثمر اقتصادی» مطروحه‌پلان سوم کشور بعمل می آید.

تجارب فراوانی نشان میدهدکه سوداگران‌دلال‌داخلی‌بطور روزافزونی منافع خود را با منافع غارتگرانه انحصارات‌امپریالیستی مزج‌مینمایند. بورژوازی دلال کشور که آله‌ووسیله سود جویی انحصارات امپریالیستی اند، بخصوص‌بالوسیله نمایندگی‌های کمپنی های غارتگر کشور های سرمایه داری جهت تامین منافع آزمندانهٔ خود به منافع توده های عظیم‌مردم‌افغانستان‌بیرحمانه‌دستبرد میزنند وآنرا به تاراج میدهند .

اکنون مسلم گردیده است، راه تکامل اقتصادی کشور ما راهی نیست که هیأت حاکمه افغانستان در پیش گرفته است ونتیجهٔ آن جز تباهی بیشتر، ادامهٔ رکود مزمن اقتصادی که همین حالا در اقتصاد کشور حکمفرماست و ایجاد وتعمیق بحران اقتصادی‌چیزدیگری نمیباشد.

راه خروج از ین وضع تباه کنندهٔ اقتصادی، راه رشد وتکامل سریع اقتصاد وفرهنگ کشور، راه تامین وتحکیم استقلال اقتصادی و ایجاد یک اقتصاد ملی مترقی در کشور، در مرحلهٔ کنونی از تکامل جامعه‌ما، راه رشد مترقی غیر سرمایه داری است که راه را برای سوسیالیزم میگشاید .

قطع‌نظر از نظرات‌سیاسی‌وآیدیولوژی شان مواجه می گردد ، جنبش نیرو مند اعتراض علیه تجاوز ایالات متحده امریکا در ویتنام اعمال رزمجویانه نیرو های دموکراتیک را علیه سیاست امپریالستی ایالات متحده امریکا وسیاست‌های حکومتی که از این سیاست پشتیبانی می نمایند قوت می بخشد .

نبرد قهرمانانه خلق ویتنام جنبش مسدود ساختن پایگاه های نظامی امریکائی را در جاپان و دیگر کشور های آسیائی و الغای قرار داد هایکه این کشورها رابه‌سیاست پنتاگون مربوط می نماید بوجود آورده است . در خود ایالات متحده امریکا ـ منبع عمده تجاوز- جنبش رزمجویانه ضد جنگ و ملیتاریزم برپا شده است .

در اروپای غربی جنبش ضد دسته بندی ناتو ، بمنظور عادی ساختن مناسبات وانکشاف همکاری بین دولتها و بخاطرحفظ امنیت اروپائی ، قشر های‌وسیعتر نفوس آن قاره را احتوا می کند . همچنان در آلمان غرب نیروهائیکه فعالانه بر ضد سیاست انتقام ونظامیگری مبارزه میکنند درحال رشد اند . در کشور هایکه ایالات متحده امریکا پایگاه های نظامی دارد انحلال این تکیه گاههای‌تجاوز باصدای رساتری مطالبه می‌گردد .

خلقهای امریکای لاتین بر ضد ستم و مداخله بی شرمانه امپریالزم ایالات متحده امریکا در امور داخلی شان پیکار می نمایند . جنبش اعتصابی کارگران ، فعالیت های دهقانان ، محصلان ودیگر قشر ها نمو دار این حقیقت است که توده های وسیع در سراسر قاره امریکا مقاومت خودرادر برابر اوامرایالات متحده ونقشه های نظامی آن تشدید می نمایند . در بعضی کشور ها نیرو های انقلابی به مبارزه مسلحانه علیه الیگارشی وامپریالیزم متوسل میگردند . احساسات ملی خلقها و مشکلات اقتصادی حتی بعضی حکومت ها را مجبور می سازد تدابیر مهمی‌برضد امپریالیزم اتخاذ نمایند ، این وضع تمایل بر قرار ساختن یا توسعه مناسبات با کشور های سوسیالستی را به شمول کیوبا تعیین می نماید ، احزاب کمونست وکار گری مبارزه دموکراتیک‌وضد امپریالستی را رهبری می کنند وبا وجود تعقیبات دارودسته های مرتجع با وقف وشجاعت بخاطر خواستهای توده ها وتغیرات انقلابی می جنگند .

در نتیجه اعتلا جنبش آزادیبخش ملی خلقهای آسیا وافریقا ضربه سختی بر مواضع امپریالیزم دراین قاره ها وارد آمده است . این‌خلقها علی رغم موجودیت مشکلات جدی به مبارزه شان علیه استعمار و استعمار نو ادامه میدهند وبه پیشروی عمومی بر ضد امپریالزم کمک می نمایند .

واقعات ده سال گذشته نسبت به هر وقت دیگر خصلت امپریالزم امریکا را بحیث استثمار گروژاندارم جهانی ، بمثابه دشمن سوگند خورده جنبش های آزادیبخش‌بیشتر بر ملاساخت .

انحصارات ایالات متحده امریکا در اقتصاد ایالات ده ها کشور نفوذ نموده وبه سر مایه گذاری خود در این کشور ها می افزاید و تلاش می کند مواضع کلیدی را دراقتصاد کشور های مذکور تحت‌کنترول‌خود در آورد .

امپریالیزم آلمان غرب‌به قدرت اقتصادی خود می افزاید ، دستگاه جنگی خود را تعمیر میکند ، تلاش میکندکه به اسلحه‌هستوی‌دست‌یابد ومساعی خود را در راه تسلط بر اروپای غربی شدت می بخشد .

به تمام اقداماتیکه منجر به خلع سلاح وتخفیف کشیدگی بین المللی میگردد مخالفت می ورزد ، ودر مناسبات خود با کشور های‌آسیا، افریقا وامریکای لاتین از سیاست استعمار نو و توسعه جوئی پیروی می نماید .

با وجود اینکه امپریالیزم‌برتانیه ضعیف گردیده است ، برتانیه بحیث یکی از قوای عمده‌امپریالستی باقیست و تلاش میکند مواضع‌خود را در افریقا ، آسیا ،کریبین وشرق میانه به شیوه های استعماری نو وبعضاً از طریق مداخله مستقیم نگهدارد . برتانیه در موضوعات عمده سیاست جهانی بحیث یکی از فعالترین شرکاء ایالات‌متحده امریکا عمل‌میکند در پیمان اتلانتیک نیروی برجسته تجاوزکار را تشکیل میدهد ودر جستجوی اتحاد نزدیک با آلمان غرب میباشد .

امپریالزم جاپان قوت میگیرد وسیاست توسعه طلبی‌خود راداولتر از همه در آسیا شدت می بخشد . میلتاریزم بار دیگر در جاپان سر بلند می کند . محافل حاکمه جاپان که با پیوند های زیادی با امپریالیزم امریکا مربوط‌گردیده اند آن کشور را عملا‌به دیپوی اسلحه امریکائی در جنگ بر ضد مردم ویتنام تبدیل نموده اند ودر دسایس ضد مردم کوریا سهم می گیرند .

امپریالیزم فرانسه کوشش میکند مواضع خود را در اقتصاد وسیاست جهانی حفظ وتقویت نماید . با جدیت وسرسختی در راه تعمیر یک نیروی ضربتی هستوی گام بر می دارد . وازسهیم شدن در اجرا آتیکه در راه خلع سلاح صورت میگیرد امتناع‌می‌ورزد. سلطه استعماری خود را بر خلقهای گوادیلوپ، مارتینیک ، ریونین ، وبعضی کشور های افریقائی و اوکیانیا حفظ می کند و از دادن حق تعیین سر نوشت واداره امور توسط خود این خلقها سر باز می زند . از نفوذ یکه هنوز در مستعمرات سابق دارد استفاده میکند ، ازشیوه های جدید سیاست استعماری کار میگیرد و در افریقا بطور خاص فعال میباشد .

سرمایه انحصاری ایتالیا نیز به توسعه خود می افزاید .

در بین قدرتهای امپریالستی وبطور کلی در جهان سرمایه‌داری ناموزونی رشداقتصادی‌بیش‌ازبیش شدت می یابد . زندگی ، صحت تیوری مارکسیست- لیننستی را در باره مبارزه بین‌قدرتهای امپریالستی وبین انحصارات سرمایه داری بغرض پیدا نمودن ساحات نفوذ تائید میکند . رقابت صنعتی و تجارتی حاد تر می شود وجنگ‌مالی وپولی وسعت می یابد . رقابت در اروپای غربی بشمول داخل بازار مشترک وهمچنان در بین کشورهای سرمایه داری اروپا و ایالات‌متحده امریکا روبه افزایش است .

امپریالزم جاپان به قوت در مبارزه بخاطر بدست آوردن‌بازار وحد اعظم مفاد شرکت می ورزد .

تنها در ساحه اقتصادی نیست که تضاد های‌درونی بلاک‌امپریالستی هویدا می گردد . پیمان اتلانتیک شمالی دریک بحران جدی دست وپا می زند . دسته بندیهای تجاوزکارانه درآسیا ایجادشده‌اند- سنتو وسیتو- شگاف بر داشته است. اروپای غربی به صحنه اختلافات بین‌کشور های سرمایه داری‌تبدیل می شود . این سیستم جهانی امپریالزم را ضعیف میکند وپلانهای امپریالزم ایالات متحده را برای رهبری دگرگون میسازد .

همچنان تضاد ها بین محافل حاکمه کشور های امپریالستی - بین دسته های بسیار جنگ طلب که بابکاربردن‌چاره‌های‌نهائی،باجنگ قمار می زنند ، وآنهائیکه تناسب جدید قوای طبقاتی در جهان را در نظر می گیرند وراجع به پرابلم‌های بین المللی وحل آنها در روحیه همزیستی مسالمت آمیز بین کشور های دارای سیستم های مختلف از یک روش واقع بینانه طرفداری می نمایند ، عمیق تر می گردد . محافل حاکمه بعضی کشور ها این ضرورت را درک می نمایند که باید وضعیت واقعی ای که درنتیجه جنگ وانکشافات بعد ازجنگ در اروپا بوجود آمده در حساب گرفته شده و باید جمهوریت دموکراتیک آلمان برسمیت شناخته شود . عدهٔ از کشور ها با وجود فشار ایالات متحده امریکا ، جمهوری دموکراتیک ویتنام و جمهوری توده‌ای چین را برسمیت شناخته اند .

احزاب کمونست وکارگری ونیرو های ضد امپریالستی تمام تضاد ها در کمپ دشمن را در نظر می گیرند وکوشش میکنند این تضاد هارا به نفع صلح وترقی عمیق تر و مورد استفاده قرار دهند .

هر قدرت امپریالستی در عین زمانیکه مقاصد خاص خود را پیش میبرد ، باهم یکجا زنجیر سیستم جهانی امپریالیزم را تشکیل‌میدهد.

امپریالیزم امروزی ،که سعی میکند خود را با شرایط مبارزه‌بین دوسیستم وایجابات انقلاب علمی وتکنالوژیکی وفق دهد دارای بعضی خصوصیات جدید است . کرکتر انحصاری دولتی اش بیشتر آشکار میباشد و هر چه بیشتر بوسایلی‌از قبیل : تمرکز‌انحصاری دولتی تولید وسرمایه ، توزیع مجدد سهم روز افزون عاید ملی توسط دولت ، تخصیص قرار داد های جنگی به انحصارات ، تمویل پروگرامهای انکشاف صنایع و تفحصات ازطرف حکومت ، طرح پروگرام های انکشاف اقتصادی بمقیاس سرتاسری کشور وسیاست سالمیت امپریالیستی واشکال جدید صدور سرمایه، متوسل میگردد . ولی ، نظام انحصاری دولتی که درشکل وبمقیاسیکه منافع سرمایه‌انحصاری را بر آورده بتواند اعمال میگردد ومتوجه حفظ سلطه آن میباشد ، قادر نیست نیرو های خود بخودی بازار سرمایه داری را کنترول‌نماید.

هیچ دولت سرمایه داری عملا موفق نبوده که از تغییرات دایروی وسقوطهای آنی قیم دراقتصاد خود تا اندازه قابل ملاحظهٔ جلوگیری کند ، در بعضی کشور ها دوره های رشد سریع صنعتی به دوره های رشد بطی و اکثراً تقلیل‌تولید عوض گردیده است . سیستم سرمایه داری در چنگال یک بحران حاد مالی و پولی گرفتار است .

انقلاب علمی وتکنالوژی‌امکانات بی سابقهٔ را بخاطر ساختن مجدد طبیعت ، بغرض تولید فراوان‌ثروت مادی وچندین برابر ساختن‌استعداد های خلاق انسان در اختیار بشریت قرار میدهد . بایدامکانات‌مذکور در راه رفاه عمومی بکار برده شود ولی ، سر مایه داری انقلاب علمی وتکنالوژیکی را برای افزودن به سود خویش وتشدید استثمار‌خلق کارگر مورد استفاده قرار میدهد . انقلاب در ساینس وتکنالوژی سوسیالستی شدن اقتصاد را تسریع میکند ، در تحت تسلط انحصارات این منجر به تولید مجدد خصومت های اجتماعی به پیمانه وسیعتر وبه شکل حادتر آن می گردد . نه تنها تضادهای بسیار دیرینه سر مایه داری وخیم گردیده است بلکه تضادهای جدیدی نیز بوجود آمده اند ، این در درجه اول به‌تضادبین امکانات‌نامحدودیکه انقلاب علمی وتکنالوژی بوجود آورده و موانع که نظام سر مایه داری در سر راه بکار بردن این امکانات بطور کلی به نفع جامعه ایجاد کرده مطابقت می نماید . سرمایه داری از طریق تخصیص قسمت بزرگ اکتشافات علمی و منابع فراوان طبیعی برای مقاصد جنگی ثروت ملی را ضایع میکند . این عبارت از تضاد بین کرکتر اجتماعی تولید امروزی وخصلت انحصاری دولتی تنظیم آن‌میباشد. این تنها عبارت از افزایش تضاد بین کار وسرمایه است ، بلکه‌عبارت از تعمیق خصومت بین منافع اکثریت بزرگ ملت و منافع الیگارشی مالی نیز میباشد .

حتی در پیشرفته ترین کشور های سرمایه داری ملیونها انسان از عذاب بیکاری ، نیازمندی وبی‌امنیتی رنج می برند . بر خلاف ادعا های از قبیل «انقلاب در عایدات» و«سهم گیری اجتماعی»،درحقیقت امراستثمار سرمایه داری روبه افزایش است .

ازدیاد دست مزدها در مقایسه با افزایش نرخ ، حاصلاهی کار وتشدید کار ، نیاز مندی‌اجتماعی وبیشتر از این نسبت‌به مفادیکه انحصارات می برد بسیار عقب است .